

تبارشناسی «تراگذرنده‌گی تحریم‌های ضد ایرانی»
در جامعه‌شناسی سیاسی پساانقلاب اسلامی
سعید چهرآزاد^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

چکیده:

در ایران هنگامه‌ای که از تحریم سخن به میان می‌آید، ذهن همگان متوجه تحریم‌های بین‌المللی علیه برنامه اتمی کشور می‌شود. اما واقعیت این است که جمهوری اسلامی از سال ۱۳۵۸، همواره با شدت و ضعف مختلف در معرض انواع تحریم‌های اقتصادی، نظامی و فشارهای دیپلماتیک کشورهای غربی و شورای امنیت سازمان ملل بوده است. تحریم‌های آمریکا علیه ایران بعد از تسخیر سفارتخانه آن کشور در تهران (در آبان ۱۳۵۸) شروع شد و تا به امروز بدون وقفه ادامه داشته است. تحریم‌های آمریکا و دیگر کشورهای غربی به بهانه‌های مختلف از جمله مبارزه با تروریسم، نقض حقوق بشر، فعالیت‌های غیرمجاز هسته‌ای، ساخت و پرتاب موشک‌های بالستیک و مداخله نظامی ایران در کشورهای دیگر اعمال شده است. این مقاله با مفروض گرفتن تصاعدی بودن تحریم‌های بین‌المللی با محوریت ایالات متحده آمریکا با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی به دنبال پاسخ به این سوال است که "تحریم‌های ضد ایرانی" چگونه از منظر جامعه‌شناسی سیاسی دچار دگردیسی شده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران با استفاده از کارکردهای نظامی، امنیتی، سیاسی، ژئواکونومیک و ژئوکالچری آن، به مرور زمان دچار تحول و تطور ماهوی گشته است.

واژگان اصلی: سیاست تحریم، تبارشناسی، جامعه‌شناسی سیاسی، تراگذرنده‌گی، ایران.

۱. پژوهشگر فوق‌دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

در تاریخ اقتصادی ایران، رویارویی با تحریمها تنها منحصر به تجربه ایران پس از انقلاب اسلامی نمی شود و قبل از آن در دوره حکومت ملی مصدق، اقتصاد ایران مجبور به تحمل تحریم های اقتصادی شده بود. (آذری، ۱۳۸۷: ۶-۷) باید بیاد داشت که تحریمهای دوران ۱۳۳۰ از نظر ابعاد و گستردگی با تحریمهای کنونی قابل مقایسه نیستند. از جمله تفاوت هایی که می توان بر ای دوانگار شمردن تحریم های زمان مصدق و تحریم های پس-انقلاب اسلامی در نظر گرفت این است که تحریم های دوران ۱۳۳۰ بیشتر و عموماً توسط انگلستان و با محاصره دریایی ایران عملاً امکان صادرات نفت ایران را از بین برد و کمپانی های نفتی هم از خرید نفت ایران خودداری کردند؛ اما بعد از انقلاب تحریم ها نه به شکل مداخله نظامی بلکه با روش های مالی و حقوقی و در قالب تحریم های ایالات متحده و متحدین آن یا تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل اعمال گردید.

در آن برهه از زمان نه تنها بریتانیا بلکه ایالات متحده نیز با رویکردی هم افزایانه و دوجانبه فشارهای و تحریم های اقتصادی متعددی را علیه دولت مصدق اعمال نمود. (آقایی، ۱۳۸۶: ۵) اهمیت و نقش تحریمها در مجموع پس از پایان جنگ سرد و تغییر نقطه تمرکز سیاست بین الملل از امنیت و نگرانیهای امنیتی به علائق و امنیت اقتصادی، علاقه به استفاده از ابزار نظامی کاهش داده و قابلیت ابزارهای اقتصادی و تحریمهای اقتصادی افزون ساخته است. این مساله از دو امر ناشی می شود: اول اینکه در مقایسه با ابزارهای نظامی، تحریمهای اقتصادی هزینه چندانی برای طرفهای تحریم کننده ندارد، دوم اینکه این پتانسیل را دارد تا مخالفتهای درونی را بر ضد نظام و دولت حاکم بر انگیزد.

به عبارتی دیگر، تحریم اقتصادی نوعی جنگ نرم است که در چند دهه اخیر به کرات توسط کشورهای قدرتمند صنعتی و شورای امنیت سازمان ملل بر علیه کشورهای دیگر وضع شده است. در دنیای معاصر بواسطه جهانی شدن و افزایش وابستگی متقابل اقتصادها، آسیب پذیری کشورها در برابر تحریم های تجاری و مالی افزایش یافته است. کشورها و سازمان های بین المللی به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر خود سعی می کنند با توسل به تحریم های تجاری و مالی بر کشور هدف فشار وارد کنند. نتیجه بخش بودن تحریم ها از پیش به دقت قابل پیش بینی نیست و به عوامل متعددی بستگی دارد که مهمترین آن ها عبارتند از: یکم- قدرت سیاسی و اقتصادی کشورهای تحریم کننده در نظام جهانی، دوم- نحوه طراحی و اجرای تحریم ها، سوم- تاب آوری سیاسی و اقتصادی کشور تحریم شده و چهارم- مدت اعمال تحریم ها. (معین الدینی و انتظارالمهدی، ۱۳۸۸: ۲)

از این جهت، تحریم‌های تکنولوژیک یکجانبه یا چند جانبه از طریق هفت قدرت بزرگ صنعتی، تحریم‌های تجاری، افزایش تعرفه های گمرکی بر صادرات کشور مورد نظر و سرانجام تحریم‌های مالی (به وسیله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) به کار گرفته می‌شود. این تحریم‌ها نه تنها مانع رشد و توسعه اقتصادی می‌گردد، بلکه از راه افزایش و تشدید مسائل و گرفتاریهای اقتصادی و در پی آن مشکلات اجتماعی و سیاسی می‌تواند زمینه را برای تحولات سیاسی در درون کشورهای مورد نظر آماده کند.

بنابر همین استدلال، نقطه آغاز این پژوهش آن است که تحلیل تحریم‌ها را باید به صورت دگرگون شده یک تهدید نظامی علیه کشور ایران دیده شود. البته جنگ می‌تواند هم آثار مثبت و هم آثار منفی برای یک اقتصاد داشته شد. برای این پژوهش مهم آن است که تاثیر تحریم‌ها بر سطح توسعه اقتصادی-تولید و فنآوری را مشخص نماید.

روند تاریخی فرآیند استفاده از تحریم‌ها علیه ایران

همانطور که گفتیم سه نوع گفتمان ملی در رابطه با اینکه به مثابه فرصت و یا تهدید برای نظام ملی نوآوری ماست وجود دارد. در مقابل با تعدد گفتمان‌های اجتماعی، در مباحث علمی، برعکس قلت منابع و اطلاعات مشاهده می‌شود. حتی در مورد اینکه آثار این تحریم‌ها بر اقتصاد ایران در چه زمینه‌هایی بوده است نیز اطلاعات کافی وجود ندارد و همین امر یک ارزیابی عینی از میزان صحت گفتمان‌ها در رابطه با تاثیر تحریم‌ها را مشکل می‌سازد.

در مروری بر ادبیات اینطور به نظر می‌رسد که صاحب نظران خارجی نیز دارای چند دستگی هستند. برخی تحریم‌های را بسیار اثر گذار می‌دانند. عده دیگری نیز با اشاره به ساختار کنونی بازار بین‌المللی، تحریم‌ها را فاقد توانایی برای اثر بخشی می‌دانند. آنها می‌گویند که بازار جهانی هزاران کارگزار دارد که بسیاری از آنها برای کسب شان، راه دور زدن تحریم تجاری را می‌یابند و با بهره برداری از موقعیت، سود سرشاری به دست می‌آورند. یا اینکه دولتهای اروپایی به عنوان ارکان سرمایه‌داری حتی اگر به تحریم سیاسی و نمادین پایبند باشد، مانع از تجارت "حامیان" خود با کشور تحت تحریم نمی‌شود و تحریم تجاری را به طور موثر به اجرا نمی‌گذارد.^۱

^۱ در این باره شواهد زیادی وجود دارد. بطور مثال اخبار حاکی از تخلف بانکهای مهم اروپایی در ممانعت از معامله با ایران قابل ذکر است.

ناظرین ایرانی و آشنا با مسائل ایران نیز در مورد تاثیر تحریمها اجماع نظر ندارند. از یک سو صاحب نظرانی مانند جهانگیر آموزگار، معتقدند که ایران به لحاظ برخورداری از منابع نفت و موقعیت استراتژیک، بطور طبیعی در برابر تحریمها مقاوم است زیرا به محض مورد تهدید قرار گرفتن، و افزایش تنش در منطقه و آبراه خلیج فارس، قیمت نفت افزایش یافته و درآمد ارزی این کشور افزایش پیدا می‌کند. (هادی زنور، ۱۳۹۸: ۸۸-۸۹) کما اینکه همانکون (آبان ۱۳۹۱) کاهش سیصد هزار بشکه کاهش در روزصادرات نفت خام ایران با افزایش ۱۵ درصدی قیمت نفت خام جبران می‌شود. (باقری دولت آبادی و شفیعی سیف آبادی، ۱۳۹۵: ۱۲۷)

از سوی دیگر محققانی مانند سارا شیر خانی از طریق مدل‌های اقتصادسنجی ثابت کرده‌اند که ایران حداقل در بخش صادرات غیر نفتی دچار آسیب‌های جدی اقتصادی در اثر تحریم‌گشته است (هادی زنور، ۱۳۹۸: ۸۹) و بالاخره ناظرینی مانند میرعمادی (شایگان، ۱۳۸۰: ۲۳۴) تحریم‌ها را دارای تاثیرات دوگانه مثبت و منفی دانسته و آثار منفی آنرا تنها تشدید کننده آسیب‌های ساختاری - نهادی جامعه اقتصادی می‌دانند و معتقدند شکستهای سیستمی نظام نوآوری در ایران منشا داخلی دارد که با عوامل خارجی (تحریم) تشدید می‌گردد.

برای اینکه برآوردی از تاثیر تحریمها بر نظام ملی نوآوری و سطح علم و فناوری داشته باشیم، نخست باید روند تاریخی ۳۰ ساله تحریمها در ایران را مطالعه کنیم و درجه، حوزه و ماهیت تحریمهای مختلفی که از سوی جامعه جهانی بر ایران تحمیل شده است، شناسایی کنیم. سپس با استفاده مدل‌های ارائه شده، این تاثیر این تحریمها در ایران را تحلیل نماییم.^۱

روندها و فرآیندهای ریخت‌شناسانه تحریم‌های اعمالی علیه ایران

اصولا تحریم‌های بین‌المللی را به صورت کلی از درگاه سه گانه تحریم‌های سیاسی و دیپلماتیک، تحریم‌های اقتصادی و تحریم‌های فرهنگی - ارتباطی تقسیم بندی می‌نمایند. (انصاریان،

^۱ اولین مرحله تحریم در سال ۱۳۵۹ با آغاز بحران گروگانگیری از سوی آمریکا بطور یک جانبه آغاز شد و در طول این فرآیند تاریخی سی و چندسال هم مطابق تعریفی از ماهیت و منبع تحریمها در فصول اول و دوم ارائه دادیم، گسترش یافته و هم بنا به تعریفی که از درجه شدت تحریمها کردیم، تشدید شده است. این ارزیابی اولیه ما در مطالعه جزییات تحریم که در بخش‌های پیش رو مشاهده می‌شود، تایید می‌گردد.

۱۳۹۳: ۱۴۳) اما در این پژوهش سعی شده است با ابتکاری ژرفانگارانانه تحریم‌های اعمالی علیه ایران را با رویکردها و رهیافت‌هایی دیگرگونه مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم که در ادامه به صورت تفصیلی به هر کدام از آن رویکردها پرداخته می‌شود.

● رویکرد تحریم‌ها از منظر ژئوپلیتیک

اینکه منشاء و مرجع تحریم از کدامین مدل‌ها و کانال‌های مناسباتی ژئوپلیتیک سرچشمه می‌گیرد می‌تواند نورافکنی بر پژوهش بیاندازد تا به نیکی تحقیق حاضر را بر سرمنزل مقصود بنهاند. در این قسمت از این نگاره ابتدا نوع روابط و سیاست خارجی ایران با دیگر کشورها-با تاکید بر ایالات متحده، اتحادیه اروپا و برخی کشورهای عربی خاورمیانه- مورد مذاقه قرار می‌گیرد تا سپس بتوان ملجاءگاه تحریم‌های اعمالی را از دورنمای دست‌اندازهای ژئوپلیتیک مورد واکاوی قرار داد.

کشوری همانند ایران با موقعیتی ژئوپلیتیکی، سوق‌الجیشی و منحصر به فرد خود نمی‌تواند به اهداف ملی بسنده نماید. و باید اهداف فراملی نیز برای خود انتخاب کند. حمایت از جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی یکی از اهدافی می‌باشد که ایران در جهت رسیدن به اهداف فراملی برگزیده است (هادی زنور، ۱۳۹۸: ۷۲) این اصل از مهم‌ترین اصول سیاست خارجی ایران در قانون اساسی می‌باشد که در راستای اهداف فراملی دنبال و پیگیری می‌شود. حمایت از این نهضت‌ها از ابتدای انقلاب اسلامی با جدیت تمام دنبال شده است. جنبش‌ها و نهضت‌هایی چون حماس، امل، جنبش اسلامی، حزب الله، الحوثی‌های یمن و ... به صورت کاملاً عملی مورد حمایت قرار گرفته‌اند. (قوام، ۱۳۹۲: ۷۰) از این رو حمایت ایران از جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی محمل و دستاویزی برای تحریم‌های اعمالی علیه ایران گشته و در ادبیات نظری مطالعات تحریم از آن با تعبیری چون تحریم‌های مربوط به مداخلات منطقه‌ای ایران در یاد می‌شود.

مناسبات ایران با کشورهای اروپایی نیز در دوره بعد از انقلاب عاری از تنش نبوده است. به گفته سید حسین موسویان، روابط ما با اروپا بعد از انقلاب روابطی متزلزل بوده است و در دوران جنگ بیشتر کشورهای اروپایی به سمت صدام حسین غلطیدند. بعد از جنگ برای بازسازی (انصاریان، ۱۳۹۳: ۷۹-۸۰) قبل از تنش زدایی بین ایران و اتحادیه اروپا، یک سری حوادث واگرایانه بین این دو کنشگر روابط بین‌الملل اتفاق افتاد که مناسبات فی‌مابین را به سوی بحران سوق داد. این حوادث عبارت هستند از: ترور ایرانیان خارج از ایران، حمایت از نظامی‌گری در کشورهای عربی،

حکم قتل سلمان رشدی از سوی امام خمینی (ره) و چندین مورد دیگر. (علوی، ۱۳۸۷: ۴۷) از این رو روابط این و فرانسه به دنبال اعطای پناهندگی به شاپور بختیار و بنی صدر به سردی گرایید، بریتانیا در سال ۱۹۸۶ از تایید صلاحیت سفیر جدید ایران در لندن به خاطر دست داشتن او در گرونگان گیری سفارت آمریکا در تهران سر باز زد و نهایتاً وزیر امور خارجه بلژیک بعد از جلسه سران اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۳ این طور بیان کرد که: بلژیک و ۱۱ شریک شورای اروپا بر آن هستند تا درباره فتوای قتل سلمان رشدی فشار بر ایران را افزایش دهند. (مولایی، ۱۳۹۰)

از این رو، اتحادیه اروپا در خصوص ایران کاملاً فعالانه وارد شده و تحریم‌هایی مستقل از تحریم‌های شورای امنیت و آمریکا را بر ایران تحمیل کرده است. (کیوان حسینی و عشرتی، ۱۳۹۳) در سال‌های اخیر اتحادیه اروپا در فاصله زمانی کوتاه و با اجماعی از ۲۷ کشور اروپایی، تحریم‌های بسیار گسترده و حتی فراتر از آمریکا را علیه ایران تصویب و اعمال می‌کند؛ تحریم‌های پیشرو و گزنده تر از آمریکا بر ایران. «پیر امانوئل دوپونت»، وکیل در فرانسه و متخصص حقوق بین‌الملل عمومی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در مقاله خود در نشریه «تضاد و حقوق امنیت» اظهار داشته اقدام‌های اتحادیه اروپا بر ایران از نظر وسعت و حجم بسیار زیاد و در کل بی‌سابقه است و این اقدام‌ها را غیرقانونی اعلام می‌کند و آن‌ها را با حقوق بین‌الملل در یک راستا قرار نمی‌دهد و عنوان می‌کند که نمی‌توان به آن شخصیت تحریم یا اقدام تلافی‌جویانه را اعطا نمود. (کیوان حسینی و عشرتی، ۱۳۹۳)

مناسبات سیاسی ایران و آمریکا بعد از انقلاب اسلامی، بسیار پرتنش بوده و گاه به درگیری نظامی مستقیم بین دو کشور انجامیده است. ایران و آمریکا امروزه هر دو یکدیگر را دشمن استراتژیک هم می‌دانند و تنش در میان دو دولت بعد از خروج آمریکا از برجام در ۱۸ اردیبهشت سال ۱۳۹۷ به شدت بالا گرفته است. این مسئله که سرآغاز تنش‌ها و بالطبع تحریم‌های آمریکا علیه ایران با تصرف سفارت آمریکا در تهران آغازیدن گرفت در بین متخصصین امری بدیهی می‌باشد. (علیخانی، ۱۳۸۰: ۶۷-۶۸)

• رویکرد تحریم‌ها از نگرش نهادی

نهادگرایی در روابط بین‌الملل منشعب و منبعث از نظریات آرمان‌گرایانه است و بر آن اعتقاد می‌باشد که بسیاری از اموری که دولت‌ها توان انجام آن را ندارند، می‌توان به نهادهای بین‌المللی واگذار کرد. این طرز تفکر کاتالیزوری بود برای نظریه همگرایی در اروپا و نظریه کثرت‌گرایی در

ایالات متحده آمریکا که همکاری‌های فراملی را برای حل مسائل مشترک ضروری می‌دانستند. (چوپانی نجف آبادی، ۱۳۹۱: ۶۱) از این رو نگارنده معتقد است برای بررسی تحریم‌های بین‌المللی بدون شک نباید از نقش و تاثیر این نهادها غافل شد و می‌بایست هنجارهای نهادین آن‌ها را در معادلات تحریم‌های بین‌المللی دخیل دانست. در این قسمت سعی می‌گردد به صورتی موجز و خلاصه به تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران که زیر مجموعه تحریم‌های چندجانبه قرار می‌گیرد و مبتنی بر منشور تصویب و اعمال می‌شود اشاره گردد.

تحریم‌های اقتصادی از جمله سازوکارها و مکانیسم‌های اجرایی عمده‌ای است که به ویژه در سال‌های اخیر از سوی شورای امنیت سازمان ملل علیه تعدادی از کشورها تصویب شده است. پیشینه آغاز تحریم‌ها از سوی شورای امنیت در دوران جنگ سرد تنها در دو مورد علیه دولت‌های رودزیای جنوبی (۱۹۶۶-۱۹۷۹) و آفریقای جنوبی (۱۹۷۷-۱۹۹۴) مشاهده می‌شود. پس از جنگ سرد شورای امنیت چنین تحریم‌هایی را علیه دولت‌های آنگولا (۱۹۹۳)، رواندا (۱۹۹۳)، عراق (۱۹۹۰-۲۰۰۳)، یوگسلاوی سابق (۱۹۹۲-۲۰۰۲)، لیبی (۱۹۹۲-۲۰۰۳)، هائیتی (۱۹۹۳-۱۹۹۴)، سومالی (۱۹۹۴)، لیبیا (۱۹۹۴)، سودان (۱۹۹۶-۲۰۰۱)، سیرالئون (۱۹۹۷)، افغانستان (۱۹۹۹)، اتیوپی و اریتره (۲۰۰۰-۲۰۰۱) و ایران (۲۰۰۷ تاکنون (۲۰۱۴)) اعمال کرده است. هدف از اعمال تحریم‌ها، جلوگیری از هنجارشکنی اعضای جامعه بین‌الملل و تشویق به رعایت اصول و ارزش‌های ملل متحد در منشور سازمان ملل بیان شده است، اما شورای یاد شده به دلیل دخالت سیاست بین‌الملل با نظر و خواسته قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا به صورت سلیقه‌ای به این موضوع اقدام می‌کند. (چوپانی نجف آبادی، ۱۳۹۱: ۶۱)

در خصوص ایران تا پیش از تصویب قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶) و ۱۷۳۷ (۲۰۰۶) به معروف به نخستین قطعنامه‌های تحریمی بر ایران هستند، قطعنامه‌ای حاوی تحریم تصویب نشده بود، زیرا دستور کار تحریم ایران در شورای امنیت به دلیل گروگان‌گرفتن دیپلمات‌ها در ۱۳ ژانویه ۱۹۸۰ با وتوی شوروری مواجه شده بود. (زهرانی، ۱۳۷۶: ۴۳)

چهار قطعنامه ۱۷۴۷-۱۷۳۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸) و ۱۹۲۹ (۲۰۱۰)، شورای امنیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی دانسته‌اند. شورای امنیت که یک نهاد سیاسی است، در صدور قطعنامه‌های خود تابع هیچ قاعده و اصل حقوقی نیست، بلکه قطعنامه‌هایی که در چهارچوب فصل هفتم صادر می‌شوند، حتی با فرض نقض قواعد حقوق بین

الملل باز هم لازم الاجرا هستند. از این رو، ناعادلانه‌ترین و سیاسی‌ترین قطعنامه شورای امنیت، قانونی محسوب می‌شود و تنها می‌توان مشروعیت آن را مورد پرسش قرار داد. قطعنامه‌های شورای امنیت تحریم‌های فراگیر جهانی را علیه ایران به اجرا گذاشته و از سوی دیگر، دستاویز سیاسی برای اعمال تحریم‌های یک‌جانبه شده است. (رزماری، ۱۳۷۲: ۸۰-۸۶)

• رویکرد تحریم‌ها از نگاه رهیافتی

اگر مجاز باشیم از منظری رهیافت‌نگارانه تحریم‌ها به صورت عام و تحریم‌های ایران به صورت خاص را مورد واکاوی قرار دهیم با تسامح و تقانع می‌توانیم دو روایت و خط اصلی نظریات روابط بین‌الملل را لحاظ و در قالب آن‌ها این مقوله را به تبیین بگذاریم. از منظر لیبرالیسم، تحریم تنها به منظور تنبیه دسته‌جمعی یا سازمان‌یافته کشوری که قواعد جامعه جامعه بین‌المللی را نقض می‌کند، اعمال می‌شود. بر این مبنا، اولاً سازمان‌های بین‌المللی مرجع اصلی اعمال تحریم بوده و این سیاست (خاصه در بعد تحریم‌های اقتصادی) راهکاری نافذ در مسیر تحقق نوعی «بازدارندگی عمومی» در عرصه بین‌المللی باید تلقی شود؛ که در نهایت می‌کوشد بازیگر متخلف را درگیر مجازات ساخته و از این طریق به پیشبرد و تثبیت معیارها و نُرم‌های بین‌المللی کمک نماید. بر این مبنا، در چهارچوب پافشاری لیبرال‌ها بر وجود قوانین و هنجارها در اعمال تحریم، کاربرد آن صرفاً در ارتباط با ضرورت مقابله با رفتار انحرافی از هنجارها و قواعد پذیرفتنی است. این ویژگی به وجه ممیز تحریم و اجبار نیز تبدیل شده است. (کیوان حسینی، ۱۳۸۷: ۲۲۰) از این رو و از منظر نهادگرایی لیبرال تحریم‌های اعمالی علیه جمهوری اسلامی ایران از طرف شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و سایر نهادهای بین‌المللی قابل تفسیر و توضیح است.

رنالیست‌ها بر خلاف طیف لیبرال، تحریم‌ها را به عنوان مجازات اعمال غیرقانونی یا غیراخلاقی تعریف نکرده و بر مبنای رویکرد هستی‌شناسانه نسبت به جایگاه محوری دولت، سازمان‌های بین‌المللی را صرفاً انجمنی دانسته‌اند که در چارچوب آن، دولت اعمال‌کننده تحریم می‌کوشد دیگر دولت‌ها را نیز برای شرکت در تحریم‌های چندجانبه متقاعد یا وادار نماید. (غرابان زندی، ۱۳۸۷: ۸۹) دال کانونی گفتمان و نظریه رئالیسم-ساختارگرایی تدافعی و ساختارگرایی تهاجمی- این است ابرقدرت‌ها به دلیل تمایل درونی برای اکتساب قدرت فطرتاً به طور ذاتی تهاجمی هستند و برای بقا خویشتن فرضی به جزء این هدف برای خود متصور نیستند.

آن‌ها معتقد هستند به واسطه وضعیت هرج و مرج گونه و نبود اقتدار مرکزی، دولت ملزم هستند بر سر قدرت با یکدیگر رقابت کنند و از هر وسیله‌ای - از جمله تحریم - نیز استفاده کنند. در این رهیافت و نگرش تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده نسبت دگرهای خود (others) از جمله جمهوری اسلامی ایران قابل تبیین و تفسیر می‌باشد.

• رویکرد دوانگارانۀ دسته‌بندی نوین تحریم‌ها علیه ایران

تحریم‌هایی که علیه کارگزار جمهوری اسلامی ایران از سوی نظام بین‌الملل - با تاکید بر هژمون ایالات متحده - اعمال شده است را می‌توانیم به دو دسته از نوع «زمانی» و به تعبیری نیز «محتوایی» تقسیم کرد.

مرحله اول تحریم‌ها

اولین دسته شامل تحریم‌هایی است که در دوره کارتر و ریگان علیه ایران اعمال شد که می‌توانیم از آن‌ها به عنوان «تحریم‌های بدوی» یاد کنیم. اولین مدل تحریمی ایالات متحده در دوره کارتر و ریگان اعمال گردید. تغییر پارادایمی سیاست آمریکا در قبال ایران از «متحد استراتژیک» به «متخاصم» در سایه حادثه تسخیر لانه جاسوسی، عینیت یافت. نخستین اقدام تحریمی آمریکا در تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۷۹ صورت گرفت، بر اساس دستور العمل کارتر برابر با بخش ۲ قانون مهار صدور تسلیحات، از ارسال محموله‌ای به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار شامل قطعات یدکی نظامی به ایران جلوگیری شد. وی در ۱۲ نوامبر همان سال اتکای آن دولت به نفت خام ایران را تهدیدی امنیتی دانست و بر مبنای بخش ۲۳۲ قانون گسترش تجارت، واردات نفت خام از این ایران را ممنوع اعلام کرد. (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۰)

به هر جهت، پس از پایان داستان گروگان‌گیری در روزهای پایانی ریاست جمهوری کارتر، وی با صدور ۱۰ دستور ویژه تمام تحریم‌ها بر ضد ایران را لغو کرد. (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۳۲۶) اما در ادامه، انگیزه‌های اولیه کابینه ریگان برای اعمال سیاست تحریمی علیه ایران، بر محور موازنه سازی نظامی و عملیاتی میان دو دولت ایران و عراق (در صحنه نبرد تحمیلی) شناسایی شد. بر این مبنای، از هدف اصلی ایالات متحده بر محور پیشبرد راهبرد موازنه سازی منطقه‌ای، در جهت کاهش تدریجی توان دفاعی و عملیاتی ایران سخن گفته شده است. (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵: ۵۲-۵۳)

دسته اول و به نوعی مرحله اول تحریم‌های یک‌جانبه از سوی ایالات متحده که از آن به عنوان «تحریم‌های بدوی» یاد کردیم به شدت از رهیافت «واقع‌گرایی ساختاری - تدافعی» کنت والتز

متاثر می‌باشد. به تعبیری والتزی، فضای آشوبناک محیط بین الملل، دولت‌ها را تشویق می‌کند تا به طور تدافعی رفتار کنند و موازنه قوا را حفظ کنند و اجازه ندهند بازیگری جدید (در اینجا جمهوری اسلامی ایران) موازنه را بهم بزنند. (نفیو، ۱۳۹۷: ۲۶)

مرحله دوم تحریم‌ها

دومین دسته و مرحله از تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران از جانب ایالات متحده، تحریم‌هایی می‌باشند که در دهه ۱۹۹۰ میلادی توسط دولت‌های بوش پدر و کلینتون اعمال شد. با توجه به هدف و ابزار تحریم‌ها، می‌توان این‌گونه تحریم‌ها در این بازه‌ی زمانی را «تحریم‌های معطوف به ثروت و بازسازی» نامید. جمهوری اسلامی ایران با عبور موفقیت‌آمیز از بحران‌های دهه ۶۰ شمسی وارد دوره‌ای شد که از آن به عنوان دوره‌ی «سازندگی» یاد می‌کنند. در این میان، آمریکا، ایران را بعد از عراق کانون جدید تهدیدهای منطقه‌ای و به عنوان «عراق دیگر» مطرح کرد. (نفیو، ۱۳۹۷: ۵۱-۵۲) در این دوره باید از بعد اقتصادی-فناوری تحریم‌ها سخن گفت که اعمال محدودیت‌های گسترده بر اساس ممانعت از دست‌یابی ایران به منابع مالی را مورد نظر داشت. (۲۸) به عنوان مثال، برخی ابتکارهای کلینتون - به انضمام قانون داماتو - در این دوره گواهی بر این مدعاست که شامل موارد زیر می‌شود: فرمان اجرایی ۱۲۹۵۹، فرمان اجرایی ۱۳۰۵۹، فرمان اجرایی ۱۳۰۹۴. (هادی زنون، ۱۳۹۸: ۲۰۴) همچنین در این دوره، تحریم‌های سرمایه‌گذاری به ویژه در حوزه نفت و گاز بر تحریم تجاری علیه ایران افزوده شد.

این دسته از تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران به شدت از «واقع‌گرایی تهاجمی» مرشایمیری تاثیر پذیرفته است. به گونه‌ای که در این رویکرد نظری چنین استدلال می‌شود که آنارشی و آشوبناکی محیط بین‌الملل، دولت‌ها را وادار می‌سازد نفوذ و قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند. (رضائی پیش رباط، ۱۳۹۵: ۸۴) اتخاذ رهیافت «مهار دوجانبه» از سوی کلینتون به نوعی فرضیه مذکور را به اثبات می‌رساند.

گذار از امر عادی به امر امنیتی (فناوری هسته‌ای به مثابه امر امنیتی)

در طیف بندی مسائل در منطق سیاست خارجی، موضوعات بسته به درجه اهمیتشان به سه دسته تقسیم بندی می‌شوند: موضوعات عادی، موضوعات سیاسی و موضوعات امنیتی. نحوه رویارویی با هر دسته از این مسائل هم نیازمند سازوکارها و مکانیسم‌های مجزاست. حکومت‌ها بسته به شرایط زمانی و مکانی می‌توانند جایگاه و درجه حساسیت هر یک از موضوعات فوق را

عوض کنند. امنیتی کردن بالاترین درجه حساسیت موضوعات در عرصه تصمیم‌گیری و سیاست خارجی است که طی آن اهمیت یک موضوع تا درجه بقا، منافع حیاتی و سیاست عالی یک کشور ارتقاء یافته و یک کشور بنا به دلایل وجودی و حیثیتی، با سیاست‌های نرم افزاری مانند دیپلماسی، بسته‌های تشویقی، تحریم‌های علمی، بانکی و فناوری و نیز سیاست‌های سخت‌افزاری مانند حملات پیش‌دستانه، پیشگیرانه، حملات مقطعی و نهایتاً حمله نظامی همه‌جانبه به حل و فصل آن موضوع امنیتی اقدام می‌ورزد. دال مرکزی گفتمان امنیتی کردن مفهوم تهدید است که مستقیماً با منافع حیاتی و وجودی یک کشور سروکار دارد و طبیعتاً در دستور کار نظام تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد. از لحاظ نظری، دوگانه دوست و دشمن و هویت بندی خودی و غیر خودی، اولین نقطه شروع گفتمان امنیتی کردن است. در منطق امنیتی کردن، سیاست‌های کلامی، هویت خودی‌ها و غیر خودی‌ها را تعیین می‌کنند و سیاست‌های عملی تعیین‌کننده نظام تصمیم‌گیری در مقابله با غیر خودی‌هاست. این دو بخش در واقع ترکیب کنش-گفتار است. که ماهیت امنیتی کردن در مکتب کپنهاگ است. در فرآیند امنیتی سازی، برسازی دشمن فرآیندی پایان‌ناپذیر است که نیازمند تعامل هم‌زمان کلام و عمل در حوزه سیاست خارجی رسمی و غیر رسمی است. در دستگاه سیاست خارجی آمریکا بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، کانون و مصداق تهدید از کمونیسم به تروریسم و از اتحاد جماهیر شوروی به سمت دولت‌های یاغی و فرومانده و گروه‌های تروریستی بنیادگرا و فرامرزی تغییر جهت یافت. در این قسمت دال کانونی و مرکزی بحث ما این است که برنامه فناوری هسته‌ای ایران از حالت عادی خارج شده و به حیطة امنیتی سازی وارد گشته است و با برسازی ایران به عنوان تهدیدکننده امنیت بین‌الملل کشورمان را با تحریم‌های متعدد یک‌جانبه و چندجانبه مواجه ساخته است. امنیتی سازی (securitizing) فناوری‌های دو منظوره از جمله فناوری هسته‌ای یکی از راهبردهای ایالات متحده در مقابل ایران برای اعمال فشار و تحریم بوده است. (بامری، ۱۳۹۷: ۴۵)

الهیات تحریم: سازه‌نگاری و نظام معنایی-گفتمانی تحریم‌های ایران

مرحله‌ای از تحریم‌های علیه جمهوری اسلامی ایران، که نام تحریم‌های «پسا یازده سپتامبر» را می‌توان بر آن نهاد، دو جنبه دارد، این دو جنبه در واقع به علت تحریم‌ها باز می‌گردد. یک جنبه آن رویداد‌های مربوط و معطوف به برنامه هسته‌ای ایران است و جنبه دیگر آن که تحت الشعاع جنبه اول قرار گرفته «جنبه هویت‌انگاران» علت تحریم‌هاست. واقعه تروریستی که در ۱۱

سپتامبر ۲۰۰۱ اتفاق افتاد رویکرد امنیتی ایالات متحده را متحول کرد، بعد از این ماجرا سیاست بوش پسر و همکاران نومحافظه کار وی نسبت به «مسئله ی ایران» تغییری ماهوی داشت. به این معنا که مولفه های تاثیرگذار در سیاست تحریمی ایالات متحده علیه ایران متکثر و متنوع گردید، اما آنچه در ادبیات علمی این موضوع غالباً نمایان شده است، برجسته سازی متغیرهای «هسته ای»، «تروریسم» و «کنترل تسلیحات» در فرآیند تحریم و به حاشیه رانده شدن متغیر «هویت» در تحلیل علت تحریم های دوره ی اخیر است.

قطعه‌نامه های شورای امنیت سازمان ملل ظاهراً متوجه برنامه هسته ای، تروریسم و یا کنترل تسلیحات است، اما در واقع آنچه مبنای همه این دگرسازی ها (antagonism) شده است، «هویت انقلابی» جمهوری اسلامی ایران در قبال نظام بین الملل، می باشد. هنجارهای بین الاذهانی، هویت ملی و نقش ایران رفتار سیاست خارجی این بازیگر را شکل داده که «تحمل» چنین امری برای ایالات متحده ناممکن گشته و نتیجتاً به مولفه های تحریمی عینی مبدل شده است.

ایران هنجارها و عقلانیت آمریکایی را با ایجاد «غیریت (other)» به چالش کشیده و این بنیادی ترین و اساسی ترین علت تحریم های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران به خصوص در آغاز قرن ۲۱ بوده است این دسته از تحریم های ایالات متحده علیه ایران به نوعی متأثر از «فرانظریه برساننده گرایی» الکساندر ونت است. ونت با تکیه بر آراء تعامل گرایان نمادین، کشمگری بین المللی را مبتنی بر «معنا» و «امری فرهنگی» می داند. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸) ایران هراسی و اسلام هراسی که این اواخر در سیاست خارجی ایالات متحده تبدیل به مرکزیت گفتمانی این بازیگر شده به دنبال «امر دگرسازی هویت» بوده است.

تحریم‌های بین المللی و کلان روندهای اقتصاد ایران

به طور کلی، اعمال تحریم های بین المللی از سوی نهادهای آمریکایی و اروپایی به تدریج کلیه بخش های مالی، اقتصادی، آموزش و فن آوری را از موسسات مالی، بانکی و بیمه تا نفت، گاز و پتروشیمی، کشتیرانی، کشتی سازی و حمل و نقل، طلا و فلزات گرانبها، اسکناس و سکه، سرمایه گذاری، آموزش های تخصصی، نرم افزار و تسلیحات را در بر گرفت و به زیساخت های کشور آسیب جدی وارد کرد. مهمترین آسیب های اقتصادی کشور در طول تحریم ها عبارتند از:

۱. مسدود یا غیرقابل استفاده شدن منابع مالی بانک های ایرانی، از جمله بانک مرکزی، در خارج از کشور؛
۲. افزایش ریسک کشوری و نظام مالی و کاهش اعتبار موسسات مالی و در نتیجه کاهش

اعتماد بین‌المللی به سیستم مالی و بانکی جمهوری اسلامی ایران؛ ۳. افزایش هزینه‌های صادرات و واردات و تامین مالی؛ ۴. کاهش سودآوری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس ۵. محدودیت‌های صدور ویزا برای تجار ایرانی و در نتیجه کاهش حضور برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران؛ ۶. افزایش قیمت کالاهای سرمایه‌ای ۷. کاهش قابل توجه جذب سرمایه‌گذاری خارجی ۸. کاهش سرعت عملیات ارزی، افزایش تعداد بانک‌های واسطه و هزینه‌های مربوطه؛ ۹. محدودیت تراکنش و خدمات بانکی به کالاهای اساسی و بشردوستانه (نظیر مواد غذایی و دارویی) پس از کسب مجوز از مقامات ناظر کشورهای طرف معامله ۱۰. کوچک شدن سبد ارزی بانک‌ها با خروج ارزهای جهان‌روا (دلار، یورو و پوند) و در معرض خطر قرار گرفتن سبد ارزی کشور با ورود ارزهای محلی (نظیر یوان چین، ون کره و روپیه هند)؛ ۱۱. کاهش دریافت وام از موسسات مالی بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول؛ ۱۲. کاهش حضور برون‌مرزی فعالان اقتصادی ایرانی در قالب تاسیس شعبه/دفتر نمایندگی یا خرید سهام؛ ۱۳. اختلال در عملکرد بین‌المللی بانک‌های کشور و روی آوردن مشتریان به کانال‌های غیربانکی نظیر صرافی‌ها؛ ۱۴. بروز مشکلات اقتصادی و مالی متعدد از جمله نرخ کارمزد بالا، تقلب، تخلفات و فساد مالی و رشد فزاینده اختلاس‌های مالی و پولشویی و...؛ ۱۵. محدودیت در دریافت خدمات متداول بانکداری بین‌الملل و در نتیجه انتقال ریسک تجارت بر طرف ایرانی؛ ۱۶. کاهش تعاملات بین‌المللی به سطح حداکثر ۵ الی ۷ کشور، در قالب قراردادهای فروش نفت، به صورت مشروط و اعمال محدودیت‌های خاص؛ ۱۷. تحریم سازمان‌های بین‌المللی مخابراتی، معاملاتی و خبری بانکی نظیر انجمن جهانی سوئیفت و رویترز؛ ۱۸. کاهش ارتباط نظام بانکی و موسسات اقتصادی و مالی با نظام بانکی، بازارها و نهادهای بین‌المللی که به انزوای اقتصادی کشور و کاهش دسترسی به ابزار نوین بانکی و دور ماندن از استانداردهای به روز بین‌المللی، مانند واحد تطبیق یا ارائه صورت‌های مالی براساس استانداردهای بال ۲ و ۳ طی ۱۰ سال گذشته انجامید و بازگشت فعالان اقتصادی در شرایط پس‌ابرجام را با موانعی نظیر ضرورت انطباق با دستورالعمل‌های گروه ویژه اقدام مالی و اطمینان از شفافیت مالی سیستم‌های مالی و در نتیجه کاهش سرعت توسعه اقتصادی کشور رو به رو می‌سازد؛ ۱۹. رواج واردات کالا به روش صادرات با واسطه که علاوه بر افزایش هزینه‌ها، در زدن تحریم‌ها و بروز مشکلاتی نظیر سوءاستفاده‌های اقتصادی و اعمال کنترل‌های مبارزه با پولشویی را دچار اختلال نمود.

کرونولوژی تحریم های هسته ای و روند پژوهی گاه‌شمارانه پیشا برجام

مقامات آمریکایی از تجربه تحریم های عراق درس های فراوانی را آموختند. برخی از این درس ها، نوع پاسخ آمریکایی ها به برنامه هسته ای ایران را شکل داد. برنامه ای که در طول سالیان دهه نود وجود داشت. اما در آگوست ۲۰۰۲ وقتی معلوم شد ایران دو پایگاه هسته ای ساخته است همه نگاه ها عمومی را به خود جلب کرد. این افشاگری ها باعث به راه افتادن یک تحقیق بین المللی به رهبری آژانس بین المللی انرژی اتمی شد و در نهایت تحریم های فراگیر علیه ایران شکل گرفت و در آخر نیز یک توافق هسته ای به وجود آمد که از طریق آن فرآیند حذف همان تحریم ها در سال ۲۰۱۵ کلید خورد. (یاوری و محسنی، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۲)

ریچارد نفیو در کتاب هنر تحریم ها که توسط مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ترجمه و منتشر شده است آغاز فشار بر ایران ناشی از برنامه هسته ای را این گونه تشریح می کند: در سال ۲۰۰۷ آمریکا تلاش کرد فشار بر ایران را به صورت قابل توجهی از طریق متقاعد کردن کشورهای دیگر در مورد خطرناک بودن برنامه هسته ای ایران و شتاب آن در در جهت نقض قوانین بین الملل افزایش دهد و این نکته را جا بیاندازد که ایران عملاً به سمت استفاده از سلاح های هسته ای می رود. در این مسیر خود ایرانی ها خوراک بسیار خوبی برای ما آمریکایی ها فراهم کردند که مهمترین کار در این زمینه تصمیم ایران برای از سرگیری غنی سازی اورانیوم در تاسیسات نطنز بود. این تصمیم به آمریکا این امکان را داد تا به صورت واضح و صریح نیاز برای متوقف کردن برنامه هسته ای ایران را قبل از آن که دیر بشود را به جهانیان گوشزد کند. استدلالی که آمریکا در این زمینه مطرح می کرد بسیار ساده بود، اگر ایران قرار بود غنی سازی را آغاز کند آنگاه چه می شود؟ آمریکا سعی داشت به همه بفهماند که هر ماه که از غنی سازی اورانیوم در ایران می گذرد و این کشور برنامه اش را گسترش می دهد آن ها به سلاح هسته ای نزدیکتر می شوند. عملاً می بینیم سادگی و ساده سازی در دیپلماسی جواب می دهد. (یاوری و محسنی، ۱۳۸۹: ۱۴) در سال ۲۰۰۷ کشور ایران به صورت کلی یک کشور نرمال و معمول در نظام مالی بین المللی بود و به عبارت بهتر در تمام اقتصادهای دنیا این تنها آمریکا بود که در سال ۲۰۰۷ محدودیت های مستقیمی را بر دسترسی ایران به فعالیت های مالی وضع کرده بود. سایر کشورها با ایران معامله داشتند که البته محدودیت های موردی خاص در این زمینه وجود داشت که به بحث حمایت از تروریسم، پولشویی، فساد و فعالیت های مشابه مالی مربوط می شد اما عموماً

سایر کشورها ایران را پاک می‌دانستند و هیچ‌گونه سابقه‌ای از فعالیت‌های پنهانی این کشور که مستحق تحریم باشد را مشاهده نکرده بودند. به تبع این مسئله اولین وظیفه آمریکا بود که نشان دهد تا چه اندازه مشارکت با بانک‌های ایرانی می‌تواند برای شرکت‌ها و نهادها خطر کمک به فعالیت‌های پنهان ایران را در برداشته باشد. قطعنامه ۱۷۳۷ توانست گام مهمی در این مسیر بردارد، چرا که در پاراگراف عملیاتی شماره ۶ هرگونه خدماتی را که می‌توانست فعالیت‌های هسته‌ای اشاعه محور ایران را تسهیل کند یا به تحویل یک سیستم نظامی هسته‌ای منجر شود را ممنوع می‌کرد. در این زمینه خدمات مالی به صورت مشخص مورد نظر بود. آمریکا از این مسئله به نفع خود استفاده کرد و با برجسته کردن میزان مشارکت بانک‌های دولتی ایران در ارائه این خدمات مالی تا آنجا که می‌توانست از این مسئله سود برد. شورای امنیت سازمان ملل متحد براساس این اطلاعات و همچنین اطلاعات خاصی که در مورد مشارکت نهادها در اشاعه هسته‌ای وجود داشت در قطعنامه ۱۷۴۷ که در مارس ۲۰۰۷ تصویب شد بانک سپه ایران را در لیست سیاه خود قرار داد. این اقدام در کنار تحریم ۶ عضو سپاه پاسداران به آمریکا امکان داد تا بانک‌های بین‌المللی را در مقابل این سوال قرار دهد که آیا شما می‌توانید ثابت کنید که خدماتی به بانک سپه یا افسران مربوطه سپاه ارائه نداده‌اید؟ به این ترتیب بانک‌های مختلف در سراسر جهان نیز، بانک سپه را به فهرست سیاه خود اضافه کردند و سایر نهادها و اشخاص تحریمی سازمان ملل را نیز مشمول همین اقدامات قرار دادند. (کیوان حسینی، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۳)

برجام و دیالوگ ایران و غرب: قرائتی واسازانه

ریچارد نفیو در فصل پنجم کتاب هنر تحریم‌ها ماهیت دیالوگ ایران و غرب این‌گونه تعبیر می‌کند: تحریم‌های وضع شده بر ایران از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ شدید بود. گرچه این فشار در حال افزایش بود؛ اما پاسخ ایران در پایان سال ۲۰۱۰ به هیچ‌وجه مطلوب و سازنده نبود. با این حال تنها سه سال بعد از کشورهای ۱+۵ یعنی چین، فرانسه، آلمان، روسیه، بریتانیا و آمریکا تحت همکاری اتحادیه اروپا توانستند به توافقی با ایران برسند که نه تنها شدت بخرنج بودن شرایط را کاهش داد، بلکه مسیری برای یک توافق جامع‌تر در سال ۲۰۱۵- یعنی برجام- به وجود آورد. در اینجا می‌توان گفت هم فشار و درد مضاعف و هم استقامت و مقاومت مضاعف هر دو بخشی از داستان تحریم‌ها علیه ایران بودند. اما در پایان کار فشار و دردی که از ناحیه ۱+۵ و خصوصاً آمریکا به ایران تحمیل شد، توانایی آن کشور برای استقامت در برابر تحریم‌ها را تحت تاثیر قرار داد و نیاز به بازگشت به

میز مذاکره و رسیدن به توافق را در ایران تقویت کرد. (ملکی فر، ۱۳۷۸: ۳۴-۴۶)

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) یکی از اتفاقات حقوقی و بین‌المللی مهم قرن بیست و یکم در حوزه علوم و فناوری هسته‌ای محسوب می‌شود. این توافق بین‌المللی که نتیجه ۲۰ ماه مذاکرات رسمی و فشرده بود، در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (برابر با ۱۴ جولای ۲۰۱۵) فی مابین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ در شهر وین منعقد و در ۲۶ دی ۱۳۹۴ (۱۶ ژانویه ۲۰۱۶) اجرایی شد. (حسینی و کرمی، ۱۳۷۷: ۱۵۹-۱۶۰) از این رو و به موجب توافق نامه تاریخی برجام و در چهارچوب اختیاراتی که به تیم مذاکره‌کننده اعطا شده بود، تنها مذاکره در حوزه هسته‌ای صورت گرفته است و در سایر حوزه‌ها مذاکره‌ای انجام نشده و لذا تحریم‌های اقتصادی و مالی مرتبط با موضوع هسته‌ای رفع شده و تحریم‌ها به بهانه‌های دیگر از جمله برنامه موشکی، تروریسم و حقوق بشر و نیز تحریم‌های اولیه آمریکا، اصولاً مورد مذاکره قرار نگرفته است و باقی مانده‌اند. (آرنت، ۱۳۷۹: ۲۵۱-۲۶۰)

دونالد ترامپ، پسابرجام و مجادلهٔ مجدد تحریمی

در دوره اوباما بخشی از تحریم‌ها با ورود ایران به توافق مشترک با کشورهای ۱+۵ یا همان برجام کنار گذاشته شد. اما پس از انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در سال ۲۰۱۶ و روی کار آمدن دونالد ترامپ، ورق برگشت و سیاست‌های تحریم از سر گرفته شد. از سیاست‌های تقابلی با کره شمالی و روسیه تا سیاست‌های تحریم یک طرفه نسبت به ایران، همه و همه نشان‌دهنده تنش جدی جامعه جهانی و مسائل منطقه‌ای ایران و غرب است. با آغاز سال ۱۳۹۷، زمزمه‌هایی از تحریم به گوش می‌رسید که این اتفاق به دستور دونالد ترامپ در اواسط سال ۲۰۱۸ اجرایی شد. در تحریم‌های اولیه بسیاری از صنایع نفتی و غیر نفتی ایران تحریم شد و در نسخه دوم تحریم‌ها یعنی در آبان ماه ۱۳۹۷ تحریم‌ها علیه بانک‌ها، در نهایت با تحریم بانک مرکزی ایران به حد اعلای خود رسید. تحریم سیستم حمل و نقل ایران و در نتیجه آن کاهش توان صادراتی و وارداتی و به عبارتی ایزوله کردن اقتصاد ایران، کشور و مردم ایران را با مشکلات گسترده‌ای روبه‌رو کرد. برخی از تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران که به نوعی بازگشت تحریم‌ها محسوب می‌شود شامل تحریم خرید و فروش دلار ایالات متحده توسط دولت و مردم ایران و هرگونه مبادله دلاری؛ تحریم تجارت طلا و فلزات گرانبه‌ا؛ تحریم فروش گرافیت، فلزات خام، زغال سنگ و برخی دیگر از کالاهای معدنی و صنعتی؛ تحریم خرید و فروش ریال ایران؛ تحریم بخش خودرو سازی؛ تحریم عملیات بنادر ایران و همچنین تحریم کشتی رانی و کشتی سازی؛ تحریم تراکنش‌های نفتی و

مبادلات مرتبط با شرکت ملی نفت ایران؛ تحریم تراکنش‌های بانکی و مبادلات بانک مرکزی ایران؛ تحریم خدمات بیمه‌ای و بیمه اتکایی و در نهایت تحریم پتروشیمی ایران می‌شود.

تحریم جدید در نگاه اول ممکن است مانند سایر تحریم‌های گذشته باشد، اما در نکته اساسی با تحریم‌های گذشته متفاوت است. اولین تفاوت این است که، تحریم‌های جدید با اهداف سیاسی و منطقه‌ای برای تخریب و نابودی اقتصاد ایران صورت گرفته است و دوم اینکه چنین تحریم‌هایی با پیشرفت‌های تکنولوژیک و استفاده از کلان داده یا (BIG DATA) اثربخش‌تر شده و توان دور زدن تحریم‌ها برای کشور ایران سخت خواهد بود. به عبارتی منطق تحریم‌های جدید، تلاش برای انزوای مالی و تجاری اقتصاد ایران است. در این تحریم‌ها نه تنها نهادها تحریم شده‌اند، بلکه اشخاص حقیقی نیز در بندهای تحریمی جای گرفته‌اند. از منظر دیگر، ذکر دونکنه حائز اهمیت است. اولین نکته این است که در دوره تحریم‌های گذشته، صنعت نفت ایران با قیمت‌های بالاتر نفت در عرصه جهانی روبه‌رو بود و با صادرات نفتی اندک هم می‌توانست درآمد لازم را برای اداره دولت کسب نماید. هرچند که این دوره‌ها نیز، همواره با کسری بودجه بالا همراه بوده است و در عین حال حجم نقدینگی و تورم را بالا برده است. تحریم‌های سال ۲۰۱۸ برعکس تحریم‌های گذشته، صادرات نفت ایران را به کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش داده است. در نتیجه به دلیل قیمت‌های نه‌چندان بالای نفتی، تراز مالی دولت کاهش خواهد یافت. نکته دوم این است که مردم ایران در دور جدید تحریم‌ها، با توجه به سابقه آن و مذاکرات اخیر ایران با غرب تحت عنوان برجام، به خوبی نسبت به تحریم‌ها آگاهی دارند و در نتیجه در دوره شوک‌های تحریمی با واکنش لحظه‌ای، بازار را وارد هیجانات می‌کنند. این امر با درجه بالای غیررسمی بودن اقتصاد ایران، تشدید می‌شود. (گوردن، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۲)

انتخابات ۲۰۲۰، جو بایدن و چشم‌داشت بازگشت به رفع تحریم

اگر مجاز باشیم در این نگاره با نیم‌نگاهی آینده‌پژوهانه وضعیت تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران را مورد مذاقه قرار دهیم تا اکنون که این سطرها مورد نگارش قرار می‌گیرند جو بایدن دموکرات پیروز انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ ایالات متحده شده است و جایگزینی معاون اول دولت امضاءکننده برجام با ناقض این معاهده بین‌المللی یعنی دونالد ترامپ امید رفع تحریم‌های پسابرجامی را در میان دو طرف ایجاد کرده است.

جو بایدن در برنامه انتخاباتی خویش در پلتفرم خط مشی‌های سیاست خارجی خویش از

بازگشت به برجام دم زده است و شرایط وخیم اقتصادی در ایران نیز وضعیتی را ایجاد کرده است که امکان گفت و گوهای درون برجامی برای رفع تحریم های پسابرجامی متصور است.

رویدادننگاری مقوله محورانه آثار تحریم بر ساحت‌های گوناگون اجتماع ایرانی

مطالعات متعددی به طور خاص به بررسی اثربخشی تحریم ها در ایران پرداخته اند. آموزگار در مطالعه ای نشان می دهد که تحریم های آمریکا نتایج قابل انتظاری به همراه نداشته است به طوری که هیچ گونه تغییری در مواضع ایران صورت نپذیرفته است. کلاوسن (۱۹۹۹) نتیجه مذکور را در مطالعه خود تایید کرده است. وی خاطرنشان می سازد که تحریم ها هیچ گونه فشاری بر ایران به منظور تغییر رفتارشان حاصل نکرده است. پرگ (۱۹۹۷) در مطالعه ای به ارزیابی اثر خالص تحریم های اقتصادی آمریکا بر ایران طی دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۰۰ پرداخته است به طوری که اثر خالص آن را منفی ارزیابی می کند. وی اثر تحریم تجاری بر ایران را در دامنه ۷۰۰ الی ۱۳۰۰ میلیون دلار و اثر هزینه ای تحریم مالی ایران را بین ۸۰۰ تا ۱۳۰۰ میلیون دلار در سال برآورد می کند و در مجموع همه هزینه های تحریم بر ایران را در دامنه ۱۵۰۰ الی ۲۶۰۰ میلیون دلار در سال ارزیابی می کند. لذا نسبت هزینه های تحریم به ارزش صادرات در سال ۲۰۰۰ در دامنه ۵/۳ الی ۹/۱ درصد و نسبت به تولید ناخالص داخلی در فاصله ۱/۲ الی ۳/۶ درصد و هزینه سرانه تحریم در دامنه ۲۳/۴ الی ۴۰/۵ دلار برآورد می شود. وی نتیجه می گیرد که با وجود این گونه خسارت های اقتصادی، چنین تحریم هایی نتوانسته است ایران را به تغییر رفتار در دستیابی به اهدافش وادار کند. وی پیشنهاد کرده است که آمریکا باید تحریم های یک جانبه را رها سازد. علیخانی (۲۰۰۰) تاثیر تحریم های علیه ایران را از نظر سیاسی و تاریخی بررسی و مشاهده کرده است که اثرپذیری و نفوذ چنین سیاستی بر ایران با شکست مواجه شده است. عسکری و همکاران (۲۰۰۱) تاثیرات اقتصادی تحریم بر ایران را با استفاده از الگوی جاذبه بررسی کرده اند. اثر تحریم تجاری بر ایران را حدود ۲۷ میلیون دلار و اثر تحریم مالی ایران را بین ۱۱۶۰ تا ۱۳۲۱ میلیون دلار در سال برآورد می کند و در مجموع کل هزینه های تحریم بر ایران را در دامنه ۱۱۸۷ الی ۱۳۴۸ میلیون دلار در سال ارزیابی می نماید. لذا نسبت هزینه های تحریم به ارزش صادرات در سال ۲۰۰۰ در حدود ۴/۱ الی ۴/۷ درصد و نسبت به تولید ناخالص داخلی بین ۱/۶ الی ۱/۹ درصد و هزینه سرانه تحریم در ۱۸/۵ الی ۲۱/۱ دلار برآورد می شود. همچنین آنها نشان می دهند که با وجود هزینه های سنگین بر هر دو کشور تحریم کننده و تحریم شونده، سیاست های ایران تغییر نیافته است.

تحقیق دیگری که در موسسه اقتصاد بین الملل با استفاده از روش هزینه رفاه و الگوی رهبری قیمت آثار تحریم ها بر اقتصاد ایران برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۹۵ انجام شده است، اثر تحریم تجاری بر ایران را پانصد میلیون دلار و اثر تحریم مالی ایران را ۲۵۰ میلیون دلار در سال برآورد می کند و در مجموع کل هزینه های تحریم بر ایران را ۷۵۰ میلیون دلار در سال ارزیابی می نماید. از این رو نسبت هزینه های تحریم به ارزش صادرات در سال ۲۰۰۰ برابر ۲/۶ درصد و نسبت به تولید ناخالص داخلی ۱/۰ درصد و هزینه سرانه تحریم ۱۲/۱ دلار برآورد می شود. (سیمون، بی تا)

دیرینه‌شناسی اسلوب‌های اعمال تحریم

شیوه اعمال تنبیه های اقتصادی (تحریم) می تواند به سه روش بایکوت، توقیف و مالی انجام پذیرد. بایکوت، در واقع به ممنوعیت واردات یک یا چند کالا از کشور هدف اطلاق می شود. این نوع تحریم باعث کاهش تقاضا برای کالاهای مهم صادراتی کشور هدف می شود. این نوع تحریم به کاهش درآمد ارزی و در نتیجه کاهش توانایی کشور هدف، برای خرید کالاهای اساسی مورد نیاز منجر می گردد. با استفاده از این نوع تحریم می توان به برخی از صنایع خاص که نیازمند واردات کالاهای اساسی برای ادامه تولید هستند، آسیب وارد کرد. این سیاست به دلیل آنکه کشور هدف قادر خواهد بود با دسترسی به دیگر بازارها و یا کشورهایی که از چنین تحریم هایی پیروی نمی کنند یا با ترفندهای گوناگون از تحریم عبور می کنند به تأمین کالای خود بپردازد، کارایی لازم را ندارد. شیوه تحریم از طریق توقیف، صادرات کالاهای مهم به کشور هدف را تحریم می نماید. این روش، ابزار رایج و گسترده ای است که برای تنبیه کشور تحریم شونده استفاده می شود. البته این نوع ممنوعیت در صادرات، ممکن است جزئی یا کامل باشد، در نهایت، تحریم مالی، وام دهی و یا سرمایه گذاری؛ کشور هدف را تعلیق یا محدود می کند. همچنین کشورهای تحریم کننده می توانند محدودیت های مضاعفی را بر پرداخت های بین المللی کشور هدف، نظیر مسدود کردن دارایی های خارجی برای اعمال فشار بیشتر انجام دهند. (سختای اردکانی، ۱۳۸۹: ۱۷۰-۱۷۱)

جمهوری اسلامی ایران در ادوار گذشته تحریم های خود با هر سه مدل از دیرینه شناسی اسلوب های اعمال تحریم مواجه شده است که البته در گذشته موفق شده است با ترفندهایی برخی از این تحریم های دور بزند، اما با گسترش فناوری های پیشرفته ای چون هوش مصنوعی، کلان داده ها و زنجیره بلوکی امکان دور زدن تحریم ها در وضعیت کنونی سخت تر از گذشته متصور است.

تغییر درک سخت‌افزار گرایانه از «فشار حداکثری» به درکی نرم‌افزار گرایانه از آن

تقارن بی سابقه‌ای از تغییرات چشمگیر در ساختارهای قدرت در نظام بین الملل، آرام آرام سیاست سیاست‌های تحریمی را دستخوش دگرگونی می‌سازد. به گونه‌ای که اگر سابقاً تعریف فشار حداکثری برای کشورهای چالش‌گر نظام بین الملل چون ایران سیاست‌های سخت‌افزاری چون حملات پیش‌دستانه، پیشگیرانه، حملات مقطعی و نهایتاً حمله نظامی همه‌جانبه مدنظر قرار می‌گرفت، اکنون این فشار حداکثری به سمت و سوی تحریم‌هایی با تأکید بر سیاست‌های نرم‌افزاری چون تحریم‌های علمی، بانکی، مالی، فناوری و ... تغییر جهت داده است.

هستی‌شناسی بازگونه‌باوروارۀ «دومنظوره» و جایگاه آن در ساختار تحریم‌های فناورانه ایران

یکی از ویژگی‌های فناوری علمی، خصیصه‌ی "دومنظورگی" (Dual-use) است. این مفهوم بر تأثیرگذاری همزمان فناوری بر دو حوزه‌ی "بنیه‌ی دفاعی" و "رشد اقتصادی" جامعه تصریح دارد. به طور مسلم، صرف‌آگاهی از این ویژگی تأثیرات عمده‌ای را برای "الگوی سرمایه‌گذاری ملی-دفاعی در حوزه‌ی فناوری پیشرفته" به همراه خواهد آورد. از همین زاویه، "طبقه بندی مفهومی فناوری‌ها از دیدگاه بنیه‌ی دفاعی" را نیز می‌توان مورد توجه قرار داد؛ حیطه‌ای که مواردی چون فناوری حیاتی، فناوری‌های توان‌آور، فناوری‌های اقتصادی‌کننده و فناوری‌های زیرساختی را دربر می‌گیرد. در چارچوب پردازش نقش دوگانه‌ی فناوری پیشرفته‌ی دفاعی، مقوله‌ی "زایش صنعتی" قابل تأمل است. این مفهوم دو حالت کلی را شامل می‌شود: الف) کاربرد تجاری دستاوردهای تحقیقاتی سازمان‌های دولتی که به اصطلاح، آن را "انتقال عمودی فناوری" می‌نامند؛ ب) انطباق تجهیزات، ابزارها یا یک فناوری دفاعی با مصارف غیرنظامی جدید که به اصطلاح، "انتقال افقی فناوری" نامیده می‌شود. (قنبرلو، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۴)

تا چند دهه‌ی قبل که فناوری‌های تجاری دنباله‌روی فناوری‌های دفاعی بود، به طور عمده این نوع زایشهای صنعتی به وقوع می‌پیوست؛ اما از آن زمان به بعد، که فناوری تجاری بر اثر نیازهای رقابتی به پای فناوری دفاعی رسید و حتی در مواردی از آن پیشی گرفت، جریان معکوس زایش صنعتی نیز پدیدار شد. در نهایت، باید توجه داشت که مقوله‌ی زایش صنعتی که پرتویی از دو منظورگی فناوری پیشرفته می‌باشد، از بعد حفظ بنیه‌ی دفاعی مورد توجه رهبران کشورها قرار گرفته است؛ و در واقع، از همین زاویه است که "زمینه‌های تقسیم کار ملی میان بخش‌های دفاعی

و تجاری در توسعه ی فناوری پیشرفته " یا "مشارکت با دیگر دولتها در توسعه ی فناوری های پیشرفته" هویت می یابد. (قهرمان پور، ۱۳۹۴: ۵۴-۵۵)

این الگوی تعامل پیشبرنده میان عرصه های نظامی و غیرنظامی در سایه ی اهتمام بر فناوری های دومانظوره، در مورد جهان سوم نیز مورد تأکید واقع شده است. در این خصوص برخی از تحلیلگران چون باله، مدعی اند که سرمایه گذاری در حوزه ی فناوری های دومانظوره که طیف وسیعی از اقسام دفاعی غیررزمی و فناوری های تولید دفاعی را شامل می شود، زمینه های تقویت هر دو بخش را فراهم آورده و همپوشی حاصل از آن، حداقل از سه جنبه قابل توجه است: اولاً بسیاری از تجهیزات غیررزمی نظامی (به ویژه تجهیزات حمل و نقل، مهندسی رزمی و حتی مخابراتی) که بخش عظیمی از تجهیزات نظامی را حداقل از نظر مقدار و حجم تشکیل میدهند، مورد مصرف غیرنظامی دارند؛ ثانیاً به دلیل پیشرفت هایی که صنایع غیرنظامی در حوزه هایی چون کامپیوتر و مخابرات داشته اند، امروزه بسیاری از قطعات مورد استفاده در تجهیزات نظامی، در ساخت وسایل غیرنظامی نیز به کار می رود و بنابراین، با سرمایه گذاری در این گونه صنایع غیرنظامی، عملاً بخشی از نیازمندی های عرصه ی تولیدات دفاعی نیز تأمین شده است؛ و در نهایت، برخی از فرآیندهای تولید مورد نیاز برای اقسام دفاعی را می توان با صنایع غیرنظامی انجام داد و برعکس. البته در این زمینه تأکید شده است که کار آمدی تدابیر پیش گفته منوط به تدوین استراتژی جامع صنعتی برای کشورهای جهان سومی است، مناطقی که می توانند در سایه ی حداکثر سرمایه گذاری در موارد مشترک و پرهیز از دوباره کاری، به بالاترین دستاوردهای موردنظر دست یابند. (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵: ۵۶)

دو کشور چین و هند از مثال های قابل تامل در خصوص تاثیرگذاری مستقیم بهره برداری از فناوری دو منظوره در عرصه ی توسعه ی صنایع نظامی، محسوب شده اند. در واقع، روند پیشرفت توانمندی های این دو (که در مورد چین به دهه ی پنجاه و در مورد هند به دهه ی شصت باز می گردد)، مرهون سیاست گذاری های خاص در مورد بهره گیری از فناوری غیرنظامی در صنایع نظامی است، که در این مورد، نرم افزارهای رایانه ای، در تقویت توان برنامه ریزی پیشرفته شامل کنترل کیفی در سطوح عالی، ترکیب و ارتباط پیشرفته ی سیستمها و نظام های کنترل در توسعه ی سیستمهای تسلیحاتی نقش مهمی دارند. (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵: ۵۶-۵۷)

به این ترتیب، ظهور نافذ فناوری های دو یا چند منظوره به عنوان نماد مشخصی از تعامل

میان فناوری های نظامی و غیرنظامی و محصول توسعه ی پیچیدگیهای فناورانه و سرایت آن در طراحی، به کارگیری و بهبود سیستمهای تسلیحاتی، عرصه های جدیدی از اندیشه ورزی استراتژیک را ترسیم می نماید حوزه های نوینی که به طور مستقیم در سطح قابلیت های دفاعی کشورها، به ویژه جهان سوم، تأثیرگذار است.

اما در مورد جمهوری اسلامی ایران وضعیت به صورتی باژگونه مورد تکوین پیدا کرده است؛ بدین گونه دومنظورگی در فناوری های پیشرفته باعث ایجاد دشواره و معضل برای ایران گشته و موجبات امنیتی سازی (Securiting) فناوری های دوکاربرده شده است. انرژی هسته ای به عنوان یکی از نمونه های فناوری های دوکاربرده می باشد که ایالات متحده با دست یازیدن به آن دست به تحریم های یک جانبه علیه ایران زده است.

این استراتژی توسط ایالات متحده سابقا در مورد عراق نیز اتفاق افتاده بود. به گونه ای که این کشور با دست آویز قرار دادن مفهوم «دومنظوره» به طور یک جانبه جلوی ورود کالاهایی را گرفت که گمان استفاده از آن به هر منظوری برای ارتش می رفت؛ این راهبرد با رویکردی تقلیل گرایانه شامل واکسن کودکان، تانکهای آب در طول دوره خشکسالی، مولد برق مورد نیاز برای راه اندازی کارخانه تصفیه فاضلاب، بی سیم برای آمبولانس ها و هر کالای دیگری. (هادی زنور، ۱۳۹۸: ۱۲)

رنالیسم ایرانی در برابر تحریم غربی

از منظر نظریه های جریان اصلی در روابط بین الملل، نظریه، ساخته ای فکری است که به کمک آن می توان واقعیات بیرونی را ساده سازی و تبیین کرد و فهمی از آن واقعیات به دست آورده و با آن آینده را پیش بینی کرد. از آنجایی که همه نظریه های روابط بین الملل ساخته، پرداخته و منبعث شده از بافتار تاریخی-اجتماعی جامعه غربی است، نگارنده بر آن شده است تا با دست یازیدن به بافت تاریخی و جامعه شناختی ایرانی نظریه ای در خور برای پاسخ به معضل تحریم و واکنش به تحریم ایجاد نماید که می توان نام «رنالیسم ایرانی» بر آن نهاد. در ساختار رنالیسم ایرانی، دولت-ملت ایران برای واکنش به تحریم های غربی، از «توزان سازی مثبت» به عنوان یکی از دال های محوری «نظریه رنالیسم ایرانی» استفاده می کند. بدین صورت که رویه ای برای اتحاد و ائتلاف با نیروهای غیر غربی ایجاد کرده است تا بتواند به شکلی نیابتی برای امنیت یابی خود دست به استراتژی منحصر به فردی در "شطرنج سیاست شرقی" بزند.

چندجانبه‌گرایی فراژئومونیک تحریمی

در این قسمت سعی می‌کنیم بر این ایده پردازش و تکیه کنیم که ادوار تاریخی تحریم‌ها ثابت کرده است که ژئومونی بین الملل صرفاً به واسطه یک جانبه‌گرایی تحریم‌ها را اعمال نمی‌کند بلکه با رویکردی فرا-ژئومونیک و ایجاد اجماع چندجانبه‌گرایانه در اقتصاد سیاسی بین الملل توانسته تحریم‌های اعمالی علیه ایران را به صورتی سیستماتیک بسط و گسترش دهد. همراهی اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل متحد به همراه سایر نهادهای بین‌المللی در تحریم همه‌جانبه ایران که پیش‌تر به صورتی مفصل در مورد آن بحث شد خود گویا و شاهدهی بر این مسئله است.

مفهوم‌پردازی تحریم از پنجره ایرانی: گرده برداری از اولترا-مارکسیسم بین الملل

مباحثی که در اجتماعات گوناگون اولترا-مارکسیسم ردیابی می‌شود، چه درباره اتحادیه‌های کارگری باشد، چه پروژه انقلابی و یا پساפורدیسم و غیره، همگی از یک رهیافت مشترک پایه‌ای پیروی می‌کنند. تفاوتی نمی‌کند که آن‌ها علناً مارکسیست می‌باشند یا لیبرتاریائی، و یا برای عملیاتی کردن یک فریضه بین‌المللی دشوار تلاش می‌کنند؛ همگی آن‌هایی که درگیر اولترا-مارکسیسم می‌باشند، ورای تمایزاتشان، بیش و کم چشم داشت یکسانی دارند و آن یعنی اینکه فضا و زمیه‌ای برای نوعی از فعالیت رزمنده بیابند.

از دریچه الترا-مارکسیسم بین‌الملل تاثیر تحریم‌های ایرانی بر سیاست خارجی این کشور بدین صورت قابل تفسیر می‌باشد:

در عرصه سیاست خارجی تحریم اقتصادی آمریکا نتوانست جمهوری اسلامی را در انزوا نگهدارد و موقعیت آن را به عنوان یک کشور یاغی رسمیت بخشد. نتایج سیاسی فشار بر ایران، حتا به سود ایران نیز بوده است. اعلام تحریم ایران و رویارویی آمریکا با ایران اعتبار خاصی به وجهه ایران در بین کشورهای جهان سوم و مسلمان بخشید. در اواسط سال‌های ۱۹۸۰ که ایالات متحده نخستین مراحل تحریم را بر ایران اعمال کرد، تعداد دوستان وفادار به جمهوری اسلامی در جهان از انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد. در صورتی که یک دهه بعد و به ویژه پس از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و در پیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی در تئوری و عمل از سوی جمهوری اسلامی ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی (و در اولویت قرار گرفتن روابط با اروپا و کشورهای عربی، در اواسط سال‌های دهه ۱۹۹۰ مقامات ایرانی اظهار کردند اینک دشمنان جمهوری اسلامی تنها آمریکا و

اسرائیل هستند. به رغم تحریم های ایران روابطی نزدیک با روسیه، چین، هند، اندونزی و برزیل که مجموعاً دارای نیمی از جمعیت جهان هستند برقرار کرد و با گرایش به کشورهای جنوب شرقی آسیا، خاورمیانه، کشورهای مشترک المنافع اروپا (به رغم ماجرای سلمان رشدی و موضوعات حقوق بشر) و کشورهای آفریقایی به ویژه آفریقای جنوبی، موجبات کاهش وابستگی به آمریکا را بیش از پیش فراهم نمود. از رژیمی که آمریکا آن را یاغی اعلام کرده است، بارها دعوت شده که در مقام میانجی و حل و فصل، در مناقشات بین المللی وارد شود. فعالیت های دیپلماتیک ایران در لبنان در برقراری آتش بس، برقراری صلح بین اوگاندا و سودان در آفریقا، همکاری با روسیه و نماینده سازمان ملل برای ایجاد تفاهم بین گروههای مخالف دولت تاجیکستان، مسأله کشمیر، قبرس، اکراد شمال عراق و کمک به آلمان برای مبادله اسرا و کشته شدگان مبارزات بین لبنان و اسرائیل، حل و فصل مناقشات آذربایجان و ارمنستان، نقش فعال در میانجی گری میان طرفهای درگیر جنگ داخلی افغانستان، بوسنی و عراق از نمونه این حضور سیاسی در فعالیت های بین المللی می باشد. حتا به رغم مخالفت های آمریکا، نمایندگان ایران به ریاست کمیته های مختلف سازمان ملل و ارگانهای وابسته به این سازمان برگزیده شدند.

تحریم ایران و قرائتی هابزی از سیستم بین الملل

در مورد نوع قرائت از سیستم بین الملل و اینکه چه آثاری بر تعامل دولت ها با همدیگر می گذارند، از سه نوع سیستم آناژشی در عرصه بین المللی صحبت می کنند: الف) سیستم هابزی: در این سیستم «جنگ همه علیه همه» جریان دارد. نوعی بی اعتمادی فراگیر حاکم است، به گونه ای که هیچ کس نمی تواند روی وعده کمک دیگران حساب کند. ب) سیستم لاکي: در سیستم لاکي به جای خصومت هابزی، اصل رقابت مسالمت آمیز حاکم می شود. رقبا از همدیگر انتظار دارند به گونه ای عمل کنند که حاکمیتشان به عنوان حق بدیهی پذیرفته شود. رقبا تلاش نمی کنند همدیگر را تحت سلطه درآورده یا مغلوب سازند. ج) سیستم کانتی: در این سیستم اصل دوستی بر روابط «خود» و «دیگری» حاکم است و دولت ها در قالب هایی نظیر اجتماع امنیتی کثرت گرا و امنیت دسته جمعی متشکل می شوند. زمانی که تحریم های اعمالی علیه ایران را مورد کندوکاو و واکاوی قرار می دهیم به این نتیجه می رسیم که بهترین قالب تفسیر و تحلیل تحریم های ایران در قرائت هابزی از سیستم بین الملل قابل ردیابی است.

پروبلماتیک «ایران» و سیاست خارجی آمریکا

در علوم اجتماعی برای درک بهتر و عمیق‌تر یک پدیده اجتماعی آن را یک مشکل و معضل نظری یا عملی حل نشده قلمداد می‌کنند، که از آن به عنوان مسئله سازی (Problematization) یاد می‌شود. فلاسفه پدیدارشناس می‌گویند زمانی که یک پدیده یا اتفاق را عادی و طبیعی تلقی می‌کنیم تمایل چندانی برای شناخت آن نداریم. میل به شناخت معمولاً با غیرعادی دیدن یک مساله یا موضوع یا همان چیزی که مسئله سازی یا مشکل تلقی کردن می‌نامیم همراه است. برای حل این مشکل ضروری است طرحی نو درانداخته شود.

از این رو آمریکا با ایجاد مسئله سازی و دشواره پنداری از «ایران» توانسته جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک کشور غیرعادی جلوه دهد و از این پتانسیل برای تحریم های مضاعف یک جانبه و چندجانبه علیه ایران استفاده نماید.

طرح‌پردازی تحریم و جایگاه نخبگان سیاست خارجی آمریکا

جایگاه نخبگان سیاسی تاثیر گذار در هر کشور، با توجه به ساختار و نظام سیاسی آن مشخص می‌شود. در ایالات متحده، احزاب چندان فعال نیستند و ارکان سیاسی کشور بیشتر بر پایه نخبه گرایی است که با وجود گرایش های مختلف سیاسی و اقتصادی، به طور کلی به دو گروه جمهوری خواه و دموکرات تقسیم می‌شوند. رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و سناتورها هر یک دارای اختیارات و محدودیت هایی در تصمیم گیری های سیاسی هستند و برآیند آرا و تعاملات میان نهادهای مختلف از جمله وزارت امور خارجه، وزارت دفاع، سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا، شورای عالی امنیت ملی و گروه های مهم موضع گیری سیاسی کشور را تعیین می‌کند.

نخبگان سیاسی ایالات متحده در حوزه های مختلفی از قبیل هنجارسازی، فرهنگ سازی، سیاست گذاری و تصمیم گیری فعالیت می‌کنند و اتاق های فکر جداگانه ای را تشکیل می‌دهند که به لابی های مختلف یهودی، عرب و... وابسته است. این لابی ها دانش و اطلاعات اتاق های فکر و در نتیجه مواضع و سیاست های ایالات متحده را شکل می‌دهند. ساختار فکری و موضع گیری نهادهایی نظیر شورای روابط خارجی ایالات متحده و جهت گیری تعدیل گرای برخی اعضای آن نظیر ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی، نسبت به جمهوری اسلامی و گرایش به تقویت قدرت نرم ایالات متحده به جای مواضع خصمانه در مقابل لابی اسرائیلی آبیگ و الگوی

جاناتان مارکوس برای تشویق عملیات تاکتیکی اسرائیل و ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی در نهایت دو نوع ادبیات ضدایرانی و تعدیلی را در میان نخبگان امریکایی رواج داده است.

نتیجه‌گیری

با وجود اینکه فصل هفتم منشور سازمان ملل، صلاحیت استفاده از ابزار تحریم در راستای حفظ صلح و امنیت را به شورای امنیت داده است، اما پیامد چنین تحریم‌های یک سویه بر کشورهای مختلف از جمله ایران نمایان‌گر اثرات زیان‌بار و فاجعه‌آمیزی بر حقوق بشر بوده و مردم عادی به عنوان قربانی اصلی متحمل بیشترین رنج و مشقت بوده‌اند. در متن و نوشتار حاضر تطورات مدل تحریمی علیه جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و مذاقه قرار گرفت که وجه اشتراک همه آن‌ها نقض صریح اسناد جهانشمول حقوق بشر بود. به بیان دیگر تحریم‌های اعمال شده علیه ایران طی سال‌های مختلف، نمونه واضحی از قربانی شدن حقوق بشر از سوی آمریکا و همراهانش است و در این نقض گسترده حقوقی، سازمان‌های بین‌المللی نظاره‌گرانی منفعل بوده‌اند.

کتابنامه

- اسلامی، محسن و نقدی، فرزانه (۱۳۹۵). «ابزار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۸، شماره ۴، زمستان.
- انصاریان، مجتبی (۱۳۹۳). تاثیر تحریم های تحمیلی بر ایران از منظر دکترین امنیت انسانی، تهران: موسسه اقتصادی تدبیر اقتصاد.
- آذری، مصطفی (۱۳۸۷). تحریم های اقتصادی؛ آثار و پیامدها، سیاست ها و راهکارها، تهران: موسسه اقتصادی تدبیر اقتصاد، چاپ اول.
- آرنت، اریک (۱۳۷۹). ظرفیت نظامی و خطر بروز جنگ، ترجمه سید شمس الدین میرابوطالبی، محمد خوش قدم نیا و پرویز قاسمی، تهران: دوره عالی جنگ سپاه.
- آقایی، داوود (۱۳۸۶). «جایگاه اتحادیه اروپایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره سازندگی»، فصلنامه سیاست. دوره ۳۷. شماره ۳.
- باقری دولت آبادی، علی و شفیع سیف آبادی، محسن (۱۳۹۵). از هاشمی تا روحانی؛ بررسی سیاست خارجی ایران. تهران: تیسرا.
- بامری، مسلم (۱۳۹۷). «برجام و تاثیر آن بر مناسبات اقتصادی ج.ا.ایران»، مجله بین المللی پژوهش ملل، دوره سوم شماره ۳۰.
- چوپانی نجف آبادی، حمید (۱۳۹۱). کارکرد تحریم های بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران در سیاست مهار ایران، تهران: پایان نامه دانشکده روابط بین الملل.
- حسینی، حسین و کرمی، جهانگیر (۱۳۷۷). فناوری و سیاست دفاعی، تهران: پژوهشکده علوم دفاعی.
- دهشیار، حسین و نظری، نوذر (۱۳۹۸). «امنیتی کردن برنامه هسته ای ایران در دولت های بوش و اوباما»، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، سال ۷، شماره ۲ بهار و تابستان.
- رزماری، هالیس (۱۳۷۲). امنیت خلیج فارس، ترجمه حاکم قاسمی، تهران: پژوهشکده علوم دفاعی.
- رضائی پیش رباط، صالح (۱۳۹۵). «تاملی بر دستاوردهای حقوقی برجام»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۹، شماره ۲، تابستان.
- سنخایی اردکانی، روح الله (۱۳۸۹). تحریم آمریکا علیه ایران (شکست یک تحریم)، تهران: انتشارات آرون.
- سیمون، هنری. (بی تا). ملاحظاتی در باره مباحثات جاری در مجامع اولترا- چپ. ترجمه محسن صابری. قابل دسترس از آدرس اینترنتی زیر:

http://www.k-en.com/gonagon/kawoshgar/Simon_Mabahe.pdf

شایگان، فریده (۱۳۸۰). شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین المللی (زیر نظر جمشید ممتاز)، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

صادقی، حسین و همکاران (۱۳۹۹). مقدمه ای بر اقتصاد سیاسی ایران در سایه تحریم، تهران: انتشارات نور علم.

علوی، ابراهیم (۱۳۸۷). «بحران گرونگانگیری و تحریم ایران»، فصلنامه راهبرد، تابستان. علیخانی، حسین (۱۳۸۰). تحریم ایران: شکست یک سیاست، ترجمه محمد متقی نژاد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

غرایق زندی، داوود (۱۳۸۷). ایران و مسئله ی هسته ای، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۴). مبانی سیاست خارجی تطبیقی: بررسی سه الگوی ایران، ترکیه و چین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۲). روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت. قهرمان پور، رحمان (۱۳۹۴). هویت و سیاست خارجی در ایران و خاورمیانه. تهران: روزنه. کیوان حسینی، سید اصغر (۱۳۸۷). واکاوی سیاست کنترل صدور فناوری در استراتژی کلان آمریکا، تهران: موسسه آموزشی صنایع دفاعی.

کیوان حسینی، سید اصغر (۱۳۸۷). واکاوی سیاست کنترل صدور فناوری در استراتژی کلان آمریکا (۲۰۰۸-۱۹۴۵)، تهران: موسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.

کیوان حسینی، سید اصغر و عشرتی خلیل آباد، فهیمه (۱۳۹۳). «رویکردی سازه انگارانه به روند تکامل و تشدید سیاست تحریمی آمریکا علیه ایران (۱۹۸۰-۲۰۱۲)»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال دوم، شماره دوم، بهار.

گوردن، جوی (۱۳۹۲). جنگ پنهان: ایالات متحده و تحریم های عراق، ترجمه زهرا کسمتی، تهران: نشر نی.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸). تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: سمت.

مصطفی زهرانی (۱۳۷۶). نظریه تحریم اقتصادی، تهران: وزارت امور خارجه.

معین الدینی، جواد و انتظارالمهدی، مصطفی (۱۳۸۸). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی»، دانشنامه،

دوره ۲، شماره ۷۳.

- ملکی فر، عقیل (۱۳۷۸). مبانی فناوری و انتقال تکنولوژی از منظر سیاستگذاری برای توسعه فناوری، تهران: سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح.
- مولایی، یوسف (۱۳۹۰). شرایط تاریخی و ضرورت گفتمان فراگیر ملی، روزنامه شرق، ۶ بهمن، شماره ۱۴۴۹.
- نفیو، ریچارد (۱۳۹۷). هنر تحریم‌ها: نگاهی از درون میدان، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- هادی زنور، بهروز (۱۳۹۸). تحلیل علل و پیامدهای تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران در چهارچوب اقتصاد سیاسی در دوره ۱۳۵۸-۱۳۹۰، تهران: نشر اقتصاد فردا.
- یاوری، کاظم و محسنی، رضا (۱۳۸۹). «آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی»، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۶، شماره ۶۱.